

تحولات آوایی در گویش لاری

والی رضایی^۱

چکیده

در این نوشتار سعی بر آن است تا سیر تحول تاریخی همخوان‌ها و واکه‌ها در گویش لاری بررسی و با ایرانی باستان، فارسی میانه و فارسی نو مقایسه شود. مهم‌ترین انواع دگرگونی آوایی همخوان‌ها مانند حذف، همگونی، تضعیف و ابدال در این گویش مطالعه و با فرآیندهای مشابه در فارسی معیار مقایسه شده است. همچنین فرآیند آوایی کشش جبرانی و تبدیل واج‌های قرضی و جایگزینی آنها با صداهای بومی بخش دیگری از این جستار را تشکیل می‌دهد. انواع دگرگونی‌های واکه‌ها شامل پیشین‌شدگی و کوتاه‌شدگی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در این گویش بسیاری از تحولات آوایی در مقایسه با زبان فارسی در مقیاس وسیع‌تری صورت پذیرفته است. برخلاف زبان فارسی از آنجا که این گویش فاقد اسناد مکتوب و ادبی است، سرعت و گستره تحولات آوایی در آن کاهش نیافته است. در واقع، این نوشتار نشان می‌دهد که قدرت و همگونی زبان نوشتاری به دلیل معیارسازی زبان، تحولات زبانی در زبان فارسی را مهار کرده است. اما در زبان‌های محلی و گویش‌ها، دگرگونی‌های زبانی به دلیل عدم وجود چنین عامل مهارکننده‌ای با سرعت بیشتری صورت پذیرفته است.

واژه‌های کلیدی: گویش لاری، تغییرات آوایی، تحولات تاریخی، فارسی نو.

۱- مقدمه

گویش‌های لاری به گروه زبان‌های ایرانی جنوب غربی تعلق دارند. این گویش‌ها شامل لاری در شهر لار، گراشی، اوزی، خنجی، بستکی، بیخه‌ای و... است. به علاوه لهجه‌های رایج در بنادر استان‌های بوشهر و هرمزگان مانند قشمی، لارکی، کمزاری و خارکی را نیز می‌توان جزئی از گویش‌های لارستانی قلمداد نمود. ویژگی‌های منحصر به فرد گویش لاری در میان سایر گویش‌های ایرانی توجه هر کسی را که اندک آشنایی با مسائل زبان‌شناسی و گویش‌شناسی داشته باشد به خود

^۱ - استادیار، گروه زبان‌شناسی، دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه اصفهان vali.rezai@fgn.ui.ac.ir

جلب می‌نماید. قریب به اتفاق گویش‌های ایرانی ادبیات مکتوب ندارند و از پیشینه آنها اطلاع دقیقی در دست نیست. به منظور شناخت دقیق‌تر این گویش‌ها باید به مقایسه آنها با زبان‌ها و گویش‌های دیگر پرداخت. بی‌شک هر زبانی در طول تاریخ دگرگون می‌شود و یکی از این دگرگونی‌های مهم تغییر در آواهای زبان است. همه زبان‌های ایرانی نو دنباله ایرانی میانه‌اند و ایرانی میانه نیز ادامه ایرانی باستان است، با این حال هر کدام از این زبان‌ها و گویش‌ها در مسیر ویژه خود تحول یافته و به شکل امروزی درآمده‌اند. در این جستار برآنیم که سیر تحول تاریخی آواهای گویش لاری را از دوره باستان و میانه تا دوره جدید ترسیم و با تحولاتی که در دیگر زبان‌های ایرانی از جمله فارسی و برخی دیگر از گویش‌های ایرانی رخ داده است، مقایسه نماییم. داده‌های گویشی این پژوهش از کتاب فرهنگ لارستانی اقتداری (۱۳۳۴) و کتاب لار شهری به رنگ خاک نوشته وثوقی (۱۳۶۹) گرفته شده است. از آنجا که در این مقاله صرفاً تغییرات آوایی گویش لاری بررسی می‌شود، به واژه‌های گونه‌های دیگر این گویش مانند خنجی، گراشی و غیره اشاره‌ای نشده است. به منظور مقایسه تحولات آوایی در این گویش با زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه و همچنین فارسی جدید، اغلب نمونه‌ها در چهار ستون ارائه شده‌اند که به ترتیب از چپ به راست در ستون اول صورت ایرانی باستان واژه‌ها نشان داده شده است. واژه‌های این ستون از دو زبان اوستایی و فارسی باستان انتخاب شده‌اند. از آنجایی که اغلب واژه‌های این ستون به زبان اوستایی تعلق دارند در جایی که واژه فارسی باستان ارائه شده است داخل پرانتز به صورت (OP) مشخص گردیده است. بنابراین در این ستون اگر اختصار (OP) در کنار واژه نیامده باشد به معنای اوستایی بودن آن است. در ستون دوم صورت‌های فارسی میانه و در ستون سوم صورت فارسی نوین و در ستون چهارم صورت گویشی کلمات به دست داده شده است.

۲- دگرگونی همخوان‌ها

مهم‌ترین فرآیندهای آوایی همخوان‌ها که مورد بررسی قرار خواهد گرفت عبارتند از:

۲-۱- حذف

بارزترین نوع دگرگونی آوایی از میان رفتن و یا محو ساده واج‌هاست که به دو صورت مشروط و غیر مشروط اتفاق می‌افتد. تقریباً تمامی زبان‌ها در طول تاریخ واج‌هایی را از دست می‌دهند و کلمات آنها کوتاه می‌شود. این مسئله بر اساس اصل صرفه جویی یا کم‌کوشی قابل توجیه است. در این بخش نمونه‌هایی از حذف همخوان‌هایی مانند d, x, f, n, h و شرایط حاکم بر آن اشاره خواهد شد.

۲-۱-۱ حذف /x/

الف) حذف آغازی

در این گویش در بسیاری از کلماتی که در فارسی نو واج /x/ وجود دارد این آوا حذف می‌شود.

ایرانی باستان	فارسی میانه	فارسی نو	لاری	
uška(OP)	hušk	xošk	ošk	خشک
		xešt	ešt	خشت
	hōšak	xuša	oša	خوشه
	holmâk	xormâ	ormâ	خرما

چنانچه از نمونه‌های فوق پیداست در صورت فارسی میانه چنین واژه‌هایی نیز واج /x/ وجود ندارد. از طرف دیگر چنانچه در ادامه این جستار نشان داده خواهد شد در این گویش واج چاکنایی /h/ به کلی حذف می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که در این نمونه‌ها واج /h/ آغازی فارسی میانه حذف شده است در حالی که در فارسی نو این واج به /x/ بدل شده است.

ب) حذف /x/ قبل از /t/

در این گویش واج /x/ در موضع قبل از همخوان انسدادی /t/ حذف می‌شود، اما در فارسی چنین تغییری صورت نگرفته است.

ایرانی باستان	فارسی میانه	فارسی نو	لاری	
dugədar	duxt	doxt	dot	دختر
		taxt	taat	تخت
sâč-	sâxt	sâxtan	sâta	ساختن
	suxtan	suxtan	sota	سوختن
vaêk	vextan	bixtan	beta	بیختن

وثوقی (۱۳۶۹: ۴۷) معتقد است /x/ ساکن در مصدرهای فارسی در گویش لاری حذف می‌شود. با بررسی نمونه‌های فوق به این نتیجه می‌رسیم که حذف این واج تنها در مصدرها صورت نمی‌گیرد و در هر بافت آوایی که این واج قبل از واج /t/ قرار گرفته باشد حذف می‌شود.

۲-۱-۲ حذف /n/

واج /n/ در پایان کلمات به ویژه در مصدرهای این گویش که تعدادی از آنها در بالا معرفی شد حذف می‌شود. چنان که وثوقی (۱۳۶۹: ۴۹) نشان داده است در تمام مصدرهای این گویش، واج پایانی

/n/ حذف می‌شود. به علاوه در واژه‌هایی که در فارسی میانه و همچنین فارسی نو به *ân* ختم شده‌اند در این گویش /â/ به /u/ تبدیل شده و واج /n/ حذف می‌شود.

ایرانی باستان	فارسی میانه	فارسی نو	لاری	
hizva-	uzwân	zabân	zabu	زبان
vâr	vârân	bârân	baru	باران
	gyân	jân	ju	جان
asman-(OP)	âsmân	âsmân	asmu	آسمان
		dandân	dodu	دندان
	awêšân	išân	ešu	ایشان
		bâm	bu	بام

بررسی این واژه‌ها نشان‌دهنده این مسئله است که حذف /n/ پایانی در این گویش از نظر زمانی پس از تبدیل *ân* و *um* به *un* و *um* صورت گرفته است. چنان‌که صادقی (۱۳۸۰) نشان داده است این تبدیل در گویش‌های محلی بسیار زودتر از فارسی معیار صورت گرفته است. همین حذف در تمامی مصدرهای این گویش نیز به وقوع پیوسته است. حذف /n/ در پایان واژه‌های بالا حکایت از این واقعیت دارد که تبدیل *ân* و *um* به *un* و *um* در مرحله زمانی جلوتری از زبان فارسی معیار و برخی گویش‌های ایرانی دیگر صورت پذیرفته است. از نظر زبان‌شناسی تاریخی حذف چند آوا به یکباره صورت نمی‌پذیرد، بلکه دارای نوعی ترتیب و توالی خاص است. حذف همخوان‌های پایانی در همهٔ زبان‌های دنیا یک تغییر طبیعی است.

حذف واج /n/ در پایان مصدرها مختص به این گویش نیست. یکی دیگر از گویش‌های نوی ایرانی که چنین تغییراتی را نشان می‌دهد گویش تالشی است (جعفری، ۱۳۸۴).

فارسی نو	تالشی	
âmuxtan	omute	آموختن
âvordan	warde	آوردن
mordan	marde	مردن
xândan	hande	خواندن
suxtan	sute	سوختن

۲-۱-۳ حذف /f/

واج لب و دندانی /f/ همانند واج /x/ در موضع قبل از /t/ در این گویش حذف می‌شود.

فارسی باستان	فارسی میانه	فارسی نو	لاری	
gaub-(op)	guftan	goftan	gota	گفتن
xvafna	xuftan	xoftan	xata	خوابیدن
		xoftidan	xateda	خوابیدن
	kaftan		kata	افتادن

۲-۱-۴ حذف /h/

واج /h/ دوره باستان و میانه، در آغاز، میان و پایان واژه حذف می‌شود. وثوقی (همان: ۴۲) اظهار داشته است که در این گویش آوهای حلقی و چاکنایی /h/ و /ħ/ وجود ندارد. لازم به یادآوری است که آوای حلقی /ħ/ در هیچ یک از زبان‌ها و گویش‌های ایرانی وجود نداشته است. در واژه‌های دخیل عربی که دارای آوای /ħ/ بوده‌اند این آوا به آوای چاکنایی /h/ تبدیل شده است. با این حال در این گویش چون آوای چاکنایی /h/ وجود نداشته است آوای حلقی در واژه‌های دخیل عربی نیز حذف شده است.

فارسی باستان	فارسی میانه	فارسی نو	لاری	
hapta-	haft	haft	aft	هفت
		hič	eč	هیچ
		haste	assa	هسته
haršta-	hištan	heštan	ešta	گذاشتن (هشتن)
		hiz	iz	هیز
pasu-			pa	گوسفند ^۱

^۱ - ریشه اوستایی -pasu- به فارسی نو نرسیده است. در گویش لاری از این ریشه pah مشتق شده است. s به h تبدیل گردیده و پس از آن حذف شده است. واژه paz (گوسفند) در زبان کردی هم از این ریشه است با این تفاوت که در کردی s واکنار شده و به z تبدیل شده است.

در نمونه‌های زیر آوای / ħ / (ح حلقى عربی) بر اساس قاعده حذف /h/ چاکنایی حذف شده است.

arum حرام laam لحم

چنین فرآیندی در تاریخ زبان‌های ایرانی به وفور یافت می‌شود. در تحول فارسی باستان به فارسی میانه و فارسی نو نیز این آوای چاکنایی در موضع آغازی کلمه حذف شده است (باقری ۱۳۸۰). به عنوان نمونه به واژه‌های زیر اشاره می‌گردد.

handâma-	handâm	andâm	اندام
hanjamana-	hanjoman	anjoman	انجمن
hača(OP)	hač	az	از
ha-karam-(OP)	hakar	agar	اگر
harâbêrêzaiti_	harburz	alborz	البرز

۲-۱-۵- حذف /d/

واج /d/ در موضع آغازی از دوره باستان تاکنون در این گویش حفظ شده است. مانند نمونه‌های زیر:

ایرانی باستان	فارسی میانه	فارسی نو	لاری	
dugədar	duxt	doxt	dot	دختر
rauga-(op)d	drōg	doruγ	dorūx	دروغ
		dānestan	daneda	دانستن

با این حال این واج در موضع پس از /z/ و /n/ حذف می‌شود.

فارسی میانه	فارسی نو	لاری	
	nazdik	nazdik	نزدیک
nuzda	nuzde		نوزده
gantum	gandom	ganom	گندم
	xande	xana	خنده

۲-۲- همگونی

در این نوع تغییر آوایی یک صدا به صدای مجاور خود شباهت پیدا می‌کند. در واقع این روند، نوعی ساده کردن حرکات عضلانی در تولید یک واژه است. همگونی در تمام زبان‌های دنیا رواج دارد و در آن یک همخوان از نظر جایگاه، محل تولید یا واگذاری به همخوان دیگری شباهت پیدا می‌کند (آرلاتو، ۱۳۷۳: ۱۱۸). این فرایند آوایی از نظر جهت خطی دگرگونی از واج غالب به سمت واج در حال تغییر به دو نوع همگونی پیشرو یا پسرو تقسیم می‌شود. البته همگونی پیشرو نادرتر از پسرو است. به نظر مک‌ماهان (۱۹۹۴: ۱۴) همگونی یک نوع تغییر قاعده‌مند و مشروط در همهٔ زبان‌هاست که ممکن است به صورت ناقص یا کامل صورت پذیرد. یکی از موارد بارز همگونی در این گویش همگونی کامل واج /t/ با /s/ است. در واژه‌هایی که واج /t/ پس از /s/ قرار دارد مشخصهٔ انسدادی بودن خود را در اثر همگون شدن با /s/ از دست می‌دهد و به /s/ تبدیل می‌شود و باعث مشدد شدن آن می‌گردد.

ایرانی باستان	فارسی میانه	فارسی نو	لاری	
	tâbistân	tâbestân	tâbessu	تابستان
		bastan	bassa	بستن
Pavasta-(op)	pōst	pust	Puss	پوست
		râste	râssa	راسته
		daste	dassa	دسته
		nešastan	šessa	نشستن
	nišastan	âstin	âssin	آستین

این نوع همگونی در زبان فارسی گفتاری معاصر و بسیاری از گویش‌های دیگر پدیده‌ای رایج است. اما در این گویش فراوانی بسیار دارد.

۲-۳- تضعیف یا نرم شدگی

در این فرایند آوایی، همخوان قوی به همخوان ضعیف تبدیل می‌گردد. همخوان قوی واجی است که برای تولید آن نیروی بیشتری صرف می‌شود. ترسک^۱ (۱۹۹۶: ۵۶) سلسله مراتب قوی بودن واج‌ها را به صورت زیر بیان نموده است.

^۱ -R.L. Trask

همخوان‌های مشدد^۱ < همخوان ساده
 انسدادی < سایشی < ناسوده^۲
 انسدادی < روان
 انسدادی دهانی < انسدادی چاکنایی
 غیر خیشومی < خیشومی
 بیواک < واکدار

با توجه به طبقه‌بندی فوق، تبدیل واج انسدادی به سایشی، سایشی به ناسوده، انسدادی به روان، انسدادی دهانی به چاکنایی، غیر خیشومی به خیشومی و صدای بیواک به واکدار همگی تضعیف یا نرم شدگی محسوب می‌شوند.

۲-۳-۱- تبدیل انسدادی به سایشی

سایشی شدن انسدادی‌ها مهم‌ترین فرآیند تضعیف در این گویش است. در اینجا به برخی از انسدادی‌ها که سایشی شده‌اند اشاره می‌شود.
 الف) تبدیل /p/ به /f/

ایرانی باستان	فارسی میانه	فارسی نو	لاری	
parəna-	parr	par	Fal	پر
		pax	fax	بریدگی

ب) تبدیل /q/ به /x/

در مورد این تبدیل در بخش ۲-۶ توضیح داده خواهد شد.

۲-۳-۲- تبدیل انسدادی به ناسوده

ایرانی باستان	فارسی میانه	فارسی نو	لاری	
xšab	šab	šab	šow	شب
			sowz	سبز

¹-geminate

²approximant

۲-۴- تقویت

فرآیند تقویت برعکس تضعیف است و نسبت به تضعیف بسیار نادر است؛ زیرا این نوع تغییر غیراقتصادی است. مهم‌ترین انواع تقویت بیواک شدن، مشدد شدن، غیرخیشومی شدن، تبدیل سایشی به انسدادی و... است. نمونه‌ای از فرآیند تقویت همخوان‌ها در این گویش را می‌توان تبدیل واج /ʔ/ به /x/ دانست.

ایرانی باستان	فارسی میانه	فارسی نو	لاری	
mərya-ə	murv	mor γ	morx	مرغ
drauga-(OP)	drōg	doruγ	dorux	دروغ

مورد دیگر بیواک شدن /d/ در کلماتی نظیر

Jan- zatan zadan zata^۱ زدن

۲-۵- تبدیل آوایی

نوعی از دگرگونی آوایی که در هیچ یک از انواع تحولات آوایی نمی‌گنجد تبدیل یا ابدال نام دارد و در آن آوایی به سادگی به آوای دیگر تبدیل می‌شود. ترسک(همان:۵۵) می‌نویسد یکی از این نوع تغییرات، دگرگونی /ʔ/ به /l/ و برعکس است که در بسیاری از زبان‌های هند و اروپایی اتفاق می‌افتد. در این گویش /ʔ/ در بسیاری از کلمات در مقایسه با زبان فارسی نو به /l/ تبدیل می‌شود. البته برخی از این واژه‌ها در دوره میانه نیز با /l/ تلفظ می‌شده‌اند. در زیر نمونه‌هایی از این گویش ارائه می‌شود.

ایرانی باستان	فارسی میانه	فارسی نو	لاری	
	rōd	boridan	boleda	بریدن
	vačâr	xaridan	xaleda	خریدن
raoða	sulâk	ru	lû	رو
		bâzâr	bazâl	بازار
sura-		surâx	sulâx	سوراخ
	parr	par	fal	پر
		rixtan	leta	ریختن

^۱ - در مورد این دگرگونی اگر با زبان فارسی مقایسه شود تقویت صورت گرفته است در حالی که اگر این فعل از فارسی میانه گرفته شده باشد باید گفت که تغییری صورت نگرفته است و همخوان t̥ در موضع میان دو واکه به همان صورت حفظ شده است.

šekâr	eškâl	شکار
zanjir	zanjil	زنجیر
nâras	nâlas	نارس
nazâr	nazâl	نزار

همچنین در برخی از واژه‌های این گویش برعکس بالا /ر/ به /ل/ تبدیل می‌شود

galu	gorü	گلو
balâ	barâ	بالا
behel	beer	بهل
taxr	taar	تلخ

باقری (۱۳۸۰: ۲۸۱) تصریح نموده است که در زبان فارسی باستان واج /ل/ جز در چند مورد نادر وجود نداشته است و آن چند مورد هم در واژه‌های دخیل بوده‌اند. طبق یک قاعده کلی واج‌های /ل/ هند و اروپایی در زبان‌های ایرانی باستان به /ر/ بدل گشته‌اند. او در ادامه می‌نویسد که واج /ل/ موجود در فارسی جدید یا مربوط به واژه‌های دخیل است که عینا وارد زبان شده‌اند مانند فلفل، بابل و لبنان و یا بازمانده واج‌های دیگر دوره باستان است که در اثر تحول آوایی به /ل/ بدل شده‌اند. در نمونه‌های زیر واج /ل/ فارسی جدید صورت تحول یافته واج /ر/ باستانی است.

ایرانی باستان	فارسی میانه	فارسی نو	
aurvant-	arvant	alvand	الوند
harâbərəzaiti-	harburz	alborz	البرز
baxtriš	bâxr	balx	بلخ
	tâxr	talx	تلخ
pareava-	pahlav	pahlav	پهللو

تبدیل /ر/ به /ل/ علاوه بر گویش لاری در طیف گسترده‌ای در دیگر گویش‌های ایرانی مانند مازندرانی (آقاگل زاده، ۱۳۸۳) صورت می‌گیرد.

فارسی	مازندرانی	
mordâr	mordâl	مردار
anjir	anjil	انجیر
čarb	čalb	چرب
barg	balg	برگ
čerk	čelk	چرک

۲-۶- دگرگونی صدای /q/

چنان‌که وثوقی (۱۳۶۹: ۴۷) نشان داده است در گویش لارستانی همخوان /q/ وجود ندارد و کلماتی که امروز در این گویش با /q/ تلفظ می‌شوند حاصل قرض‌گیری و یا تأثیر زبان فارسی معیار است. مالچانوا (۱۳۸۰) نیز معتقد است که واج /q/ در این گویش فقط در کلمات قرضی دیده شده است در زبان فارسی باستان و میانه نیز چنین واجی وجود نداشته است.^۱ صادقی (۱۳۸۵) به این نکته اشاره نموده است که در متون تاریخی و فرهنگ‌های لغت قدیمی زبان فارسی بسیاری از کلمات با تلفظ /k/ ضبط شده‌اند که اصل عربی آنها با /q/ بوده است. او کلمهٔ تریاک را مثال می‌زند که بسیاری صورت تریاق را معرب آن دانسته‌اند در حالی که صادقی (همان) با ارائه شواهد تاریخی متعدد نشان داده است که عکس این مطلب درست است و ایرانیان تلفظ کلمهٔ عربی تریاق را به تریاک تبدیل نموده‌اند؛ زیرا واج /q/ در زبان آنها وجود نداشته است.^۲ با توجه به موقعیت جغرافیایی این گویش که در سرزمینی رواج دارد که قلمرو اصلی زبان فارسی باستان و فارسی میانه ساسانی بوده است چنین ویژگی قابل توجیه است. از این‌رو در اکثر کلمات قرضی از زبان ترکی و عربی که وارد این گویش شده‌اند و دارای واج /q/ بوده‌اند این واج به آواهای دیگری که با آن از نظر مخرج قرابت داشته‌اند تبدیل شده است. این آوا در این گویش به آواهای /x, g, k/ تبدیل شده است. نمونه‌هایی از این تبدیل آوایی را در زیر نشان می‌دهیم.

فارسی نو	لاری	
quzak	gozak	قوزک
qâšoq	kâšox	قاشق
qahqah	kahkâ	قهقهه
qal,a	kalât	قلعه

^۱ - برای اطلاع بیشتر در این خصوص (رک) ابوالقاسمی، ۱۳۷۳ صص ۲۴ و ۱۶۶

^۲ - برای اطلاع بیشتر در مورد واج /q/ در زبان فارسی (رک) صادقی (۱۳۸۵)

ojâq	ojâx	اجاق
ablaq	ablax	ابلق
qatoq	katex	قایق
qaraqorut	Kara-koru	قره قروت
qabr	kabr	قبر
tâq	tâx	تاق

با بررسی کلمات فوق به این نتیجه می‌رسیم که تبدیل واج انسدادی خود نیز تابع قواعد آوایی است. این همخوان در آغاز کلمات به یک همخوان انسدادی دیگر یعنی /k/ تبدیل شده است در حالی که در پایان واژه و در بین دو واکه به همخوان سایشی /x/ بدل شده است که نوعی تضعیف صورت گرفته است. تضعیف همخوان‌های انسدادی در پایان واژه و یا در بین دو واکه یک تغییر آوایی طبیعی است که در بسیاری از زبان‌های دنیا رخ می‌دهد.^۱

۳- تغییرات آوایی واکه‌ها

در تولید واکه‌ها گرفتگی در اندام‌های صوتی حاصل نمی‌شود و مانند همخوان‌ها دارای محل تولید دقیقی نیستند. از این روست که واکه‌ها در گذر زمان بسیار ناپایدارترند. مهم‌ترین تغییرات واکه‌ها در این گویش را می‌توان تحت عناوین زیر مطرح نمود.

۳-۱- کشش جبرانی

این نوع تغییر آوایی زمانی رخ می‌دهد که دو همخوان به دنبال یک واکه قرار گرفته باشند. اگر یکی از این همخوان‌ها حذف شود به منظور جبران واج حذف شده واکه قبل از آن کشیده می‌شود. در واقع چنان‌که آرلاتو (۱۳۷۳) اشاره نموده است کشش جبرانی فرآیندی آوایی است که هم به همخوان‌ها مربوط است و هم به واکه‌ها. این نوع تغییر در بسیاری از زبان‌های هند و اروپایی رایج است. همچنین در اغلب زبان‌های ایرانی نیز این فرآیند رخ می‌دهد. اکنون به نمونه‌هایی از این فرآیند آوایی در این گویش اشاره می‌شود.

^۱ - جهت اطلاع از دگرگونی‌های مشابه واج /q/ در گویش‌های استان بوشهر ر.ک. کرد زعفرانلو و ممسنی (۱۳۸۵)

ایرانی باستان	فارسی میانه	فارسی نو	لاری	
xšaera	šahr	šahr	šaar	شهر
paθana	pahan	pahn	paan	پهن
parəu-*(OP)	pahluk	pahlu	paalü	پهلو
		tanhâ	taanâ	تنها
		taxt	taat	تخت
		mehr	meer	مهر (مهریه)
maêoman	mêhmân	mehmân	meemu	مهمان
		kohna	koonâ	کهنه

در این گویش مانند بسیاری از دیگر گویش‌های ایرانی با استفاده از کشش واکه آواهای حلقی عربی حذف شده و به جای آن واکه قبل از آن کشیده می‌شود مانند واژه‌های قرصی زیر در گویش لاری.

sobh	soob	صبح
zohr	zoor	ظهر
jam	jam	جمع
lahm	laam	لحم

۳-۲- پیشین شدگی

در این گویش واکه گرد و پسین /u/ بر اثر فرآیند پیشین شدگی به صورت /ü/ تلفظ می‌شود. این واکه ارزش واجی دارد و جایگزین کردن آن با جفت پسین خود در برخی کلمات باعث تغییر معنا می‌شود. این واکه در فارسی معیار وجود ندارد. در این مورد می‌توان به زوج‌های کمیته زیر که حاصل تقابل این دو واج‌اند اشاره نمود.

bu	بام	bü	بو	ju	جان	jü	یوگ
----	-----	----	----	----	-----	----	-----

چنان‌که نمونه‌های زیر نشان می‌دهد واکه /u/ در تمام مواضع‌ها به /ü/ تبدیل می‌شود.

ایرانی باستان	فارسی میانه	فارسی نو	لاری	
raučah (OP)	rōz	ruz	rüz	روز
		xun	xün	خون
kaufa(op)	kōf	kuh	kü	کوه
muda*(op)	mōd	mu	mü	مو
		ruda	rüda	روده
dura-op	dur	dur	dür	دور

واکه /u/ که خود حاصل تبدیل واکه /â/ بوده و در بخش (۲-۱-۲) مورد بحث قرار گرفت مشمول این پیشین شدگی نمی‌شود. دلیل این امر ممکن است این نکته باشد که تغییر پیشین شدگی در دوره زمانی زودتر از تبدیل ân به u صورت گرفته باشد. به عنوان مثال در کلمات rüxuna (رودخانه) و čüpu (چوپان) هم واکه پسین /u/ و هم واکه پیشین /ü/ حضور دارند. واکه پسین هجاهای دوم پیشین نشده‌اند؛ زیرا این واکه صورت تحول یافته \hat{a} است.

۳-۳- کوتاه شدن

تمامی واکه‌های بلند در این گویش ممکن است کوتاه شوند.

الف) تبدیل /â/ به /a/

در بسیاری از واژه‌های این گویش واکه بلند /â/ تبدیل به جفت کوتاه خود یعنی /a/ می‌شود.

ایرانی باستان	فارسی میانه	فارسی نو	لاری	
vâr	vârân	bârân	baru	باران
kâra	kâr	kâr	kar	کار
nâman	nâm	nâm	nam	نام
		dâmâd	damâd	داماد
		jâma	jama	جامه
		bâr	bar	بار
		bâš	baš	باش

در واقع در این گویش هجاهای CV و CVC که دارای واکنه بلند /â/ بوده‌اند واکه به جفت کوتاه خود تبدیل شده است.

(ب) تبدیل /u/ به /o/

ایرانی باستان	فارسی میانه	فارسی نو	لاری	
	suxtan	suxtan	sota	سوختن
		xuša		خوشه
			oša	
gauša(OP)	gōš	guš	goš	گوش
	butan	budan	boda	بودن
		muš	mošk	موش
		dušidan	dota	دوختن

(ج) تبدیل /i/ به /e/

	awêšân	išân	ešu	ایشان
di-	andit	didan	ded	دیدن
			a	

چنان‌که از نمونه‌های فوق پیداست در این گویش، همهٔ واکه‌های بلند ممکن است کوتاه شوند. این تغییر از نظر اصل اقتصاد و قانون کم کوشی قابل توجیه است.

۴- نتیجه‌گیری

در این نوشتار تلاش گردید مهم‌ترین فرآیندهای آوایی در گویش لاری بررسی و با تحولات زبان‌های ایرانی باستان، میانه و فارسی نو مقایسه گردد. فرآیندهای متنوعی مانند حذف، همگونی، تضعیف و تقویت در همخوان‌ها و همچنین کشش جبرانی و پیشین شدگی و کوتاه شدن در واکه‌ها مورد مطالعه قرار گرفت. از ویژگی‌های بارز آوایی این گویش می‌توان به حذف همخوان خیشومی /n/ در پایان واژه و پس از واج /u/، حذف کلی این همخوان در مصدرها، حذف آوای چاکنایی /h/ به طور کلی، حذف واج /x/ در آغاز کلمات و به ویژه قبل از همخوان /t/، تبدیل واج /r/ به /l/ و موارد دیگر اشاره نمود.

از نتایج این بررسی می‌توان به چند نکتهٔ مهم اشاره نمود. نخست آن که در این گویش برخی واج‌های ایرانی باستان و میانه همچون / ۷ / که در فارسی معیار از بین رفته‌اند، باقی مانده‌اند. نکتهٔ دیگر تمایل شدید این گویش به حذف انسدادی‌های پایانی است. ویژگی مهم دیگر این گویش

مقاومت آن در برابر آواهای بیگانه است که با جایگزینی آنها با واج‌های بومی از ورود آن واج‌ها به نظام آوایی خود جلوگیری نموده است در حالی که در زبان فارسی چنین آواهای بیگانه‌ای به نظام واجی زبان وارد شده و تثبیت گشته‌اند. از جمله این آواها می‌توان به /q/ و /ž/ اشاره نمود که در فارسی میانه ساسانی نیز وجود نداشته‌اند و از زبان‌های ترکی و عربی و پهلوی اشکانی به زبان فارسی وارد شده‌اند. در واقع، در این جستار مشخص گردید که گویش لاری بسیاری از تحولات تاریخ زبان فارسی و دیگر زبان‌ها و گویش‌های خویشاوند را در آئینه خود می‌نمایاند. مطالعه در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی و بررسی تحولات آنها در سطوح مختلف و مقایسه این تحولات با زبان‌های باستان، میانه و جدید به کشف زوایای پنهان تاریخ زبان‌های ایرانی کمک شایانی خواهد کرد.

نکته دیگری که قابل ذکر است سرعت و گستره تحولات در این گویش در مقایسه با زبان فارسی معیار است. گویش‌های محلی چون در قید و بند زبان نوشتار و سنت ادبی نیستند در مقایسه با زبان‌های رسمی که دارای ادبیات و نوشتارند با سرعت بیشتری متحول می‌شوند. در نتیجه زبان نوشتار که موجب تثبیت گونه معیار می‌شود آهنگ تغییرات را در زبان کند می‌کند.

منابع

- آراتو، آنتونی (۱۳۷۳)، *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*، ترجمه یحیی مدرس، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۳)، «برخی تغییرات آوایی و فرآیندهای واجی فعال در گویش مازندرانی»، *گویش‌شناسی*، ش ۳، صص ۴-۱۲
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۶)، *راهنمای زبان‌های باستانی ایران: دستور و واژه‌نامه*، تهران: انتشارات سمت.
- اقتداری، احمد (۱۳۳۴)، *لارستان کهن و فرهنگ لارستانی*، تهران: انتشارات جهان معاصر، چاپ دوم.
- باقری، مه‌ری (۱۳۸۰)، *واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی*، تهران: نشر قطره.
- جعفری دهقی، محمود (۱۳۸۴)، «مقایسه تحول تاریخی برخی واج‌های تالشی با فارسی معیار»، *مجله گویش‌شناسی*، ش ۲۳، صص ۳۹-۳۹
- درزی، علی (۱۳۷۲)، «کشش جبرانی مصوت‌ها در فارسی محاوره‌ای امروز»، *مجله زبان‌شناسی*، ش ۲۰، صص ۵۸-۷۵
- صادقی، علی اشرف (۱۳۵۷)، *تکوین زبان فارسی*، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد ایران.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۸۰)، «تبدیل آن و اوم به اون و اوم در فارسی گفتاری و سابقه تاریخی آن»، *مسائل تاریخی زبان فارسی*، تهران: انتشارات سخن.

- صادقی، علی اشرف (۱۳۸۲)، «در باره گویش لارستانی»، مجله زبان‌شناسی، شماره ۳۵، صص ۱۲۰-۱۳۸
- صادقی، علی اشرف (۱۳۸۵)، «تحول صامت ق عربی در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، ش ۴۱ و ۴۲، صص ۳-۳۲
- کرد زعفرانلو، عالیبه و شیرین ممسنی (۱۳۸۵)، «توصیف دستگاه واجی گویش دلواری»، مجله زبان و زبان‌شناسی، انجمن زبان‌شناسی ایران، ش ۴، صص ۷۷-۹۴
- کلباسی، ایران (۱۳۶۷)، «دستگاه فعل در گویش لاری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، س ۲۱، ش ۱، صص ۱۴۵-۱۷۰
- مالچانوا، ای. ک. (۱۳۸۰)، «گویش‌های لاری»، ترجمه معصومه احسانی، نامه فرهنگستان، شماره ۱۸، صص ۱۸۳-۱۸۷
- وثوقی، محمد باقر (۱۳۶۹)، لار شهری به رنگ خاک، تهران: مؤسسه نشر کلمه.
- McMahon, April. M. S. (1994). *Understanding Language Change* Cambridge: Cambridge University Press.
- Trask, R. L. (1996), *Historical Linguistics*. Arnold.